



ISSN: 2423 - 7655



Pajoheshha- e Mahdavi

A Research Quarterly in Mahdaviyyat
Thirteenth year, No 50, summer 2024

Pathology of the Mother's Role in Raising Teenagers from the Perspective of Science, Sunnah, and the Quran

Somayeh Abdi Saqavaz¹

Ehsan Ebadi²

Mohammadreza Nasuri³

Abstract

From the perspective of Islam, adolescence is very important and should be spent with knowledge and purity; because during this period, general changes in the body and psychological effects are so rapid and comprehensive that they cause anxiety and worry and make it difficult for him to interact and communicate with those around him and his family. For this reason, identifying possible and occurring harms in this matter is of great importance. This research has used documentary methods to identify the harms of mothers' upbringing by examining verses and narrations and citing the words of experts. The findings of this research indicate that: Adolescents are in a period of life when the use of incorrect upbringing methods by some mothers has exposed them to intellectual - ideological, moral, sexual, etc. deviations from various aspects of the family and environment. Incorrect methods such as unnecessary punishment and violence, or on the other hand, unlimited love, incorrect comparisons, discrimination, and disregard for spiritual issues such as the use of forbidden food, etc., can cause great harm in raising a teenager. In this regard, the more a mother values her teenager and recognizes his world, and uses the right educational methods at the right time, the more successful she will be in raising him

Keywords: Mother, upbringing, adolescent, pathology, upbringing method

1. PhD student in Theology at Motahari University and level 3 student at the Sisters' Seminary
2. Assistant Professor of Education Department and Higher Level Lecturer (Responsible Author)
3. Level 4 of Mahdism, Qom Seminary and Professor of the Mahdism Specialized Center

آسیب‌شناسی نقش مادر در تربیت نوجوان از منظر علم، سنت و قرآن

سمیه عبدی سقاوازا^۱

احسان عبادی^۲

محمد رضا نصوری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۳

چکیده

از نظر اسلام دوران نوجوانی اهمیت زیادی دارد و باید با معرفت و پاکی سپری شود؛ زیرا در این دوران تغییرات عمومی بدن و تأثیرات روانی، آن چنان سریع و همه جانبه است که او را دچار تشویش و نگرانی نموده و برخوردها و ارتباط‌هایش با اطرافیان و خانواده را دچار مشکل می‌سازد. به همین دلیل شناسایی آسیب‌های احتمالی و وارده در این مسئله از اهمیت به سزائی برخوردار است. این پژوهش به روش اسنادی به شناسایی آسیب‌های تربیتی مادران با تتبع در آیات و روایات و با استناد به کلام صاحب‌نظران پرداخته است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که: نوجوان در دوره‌ای از زندگی به سر می‌برد که استفاده از روش‌های تربیتی ناصحیح برخی از مادران، ایشان را در معرض انحرافات فکری - عقیدتی، اخلاقی، جنسی و... از جوانب مختلف خانوادگی و محیطی قرار داده است. روش‌های ناصحیحی چون تنبیه و خشونت‌های بی‌مورد یا از آن طرف محبت‌های بی‌حد و حصر، مقایسه‌های نادرست، تبعیض و بی‌توجهی به مسائل معنوی چون استفاده از لقمه حرام و... می‌تواند آسیب‌های زیادی را در تربیت نوجوان وارد سازد. در این راستا هر قدر مادر برای نوجوان خود بیشتر ارزش قائل شده و دنیای او را به رسمیت بشناسد و نیز در وقت مناسب از روش‌های صحیح تربیتی استفاده نماید، در راه تربیت موفق‌تر خواهد بود.

واژگان کلیدی

مادر، تربیت، نوجوان، آسیب‌شناسی، روش تربیتی.

۱. معاونت پژوهش مدرسه علمیه حضرت نرجس علیها السلام.

۲. طلبه درس خارج و مربی بنیاد مهدویت مازندران (نویسنده مسئول).

۳. سطح چهار مهدویت حوزه علمیه قم و استاد مرکز تخصصی مهدویت.

مقدمه

در منابع اسلامی بر تربیت فرزندان در دوره نوجوانی تأکید زیادی شده است. از جمله نامه حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزند بزرگوارشان امام حسن علیه السلام است که در آن تصریح می‌فرماید: قلب نوجوان همانند زمین خالی و آماده کشت است که هرگونه بذر خوبی یا بدی را می‌توان در آن کاشت (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

والدین اولین و مهم‌ترین کسانی هستند که این زمین را آماده بذریابی می‌کنند. فکر او را می‌سازند و جهان بینی غلط یا صحیح را به وی می‌آموزند و سرنوشت و شخصیت او را تعیین می‌کنند.

امروزه عدم شناخت و آگاهی از جایگاه مادری و وظایف او و یا نداشتن برنامه و مهارت و روش‌های سنجیده و متناسب، برای ارتباط با فرزندان و تربیت آنان یکی از عوامل مهمی است که موجب شده است تا نسل نوجوان برآمده از برخی خانواده‌ها بدون تربیت صحیح به حال خود رها شده و به صورت خودرو و ناموزون و ناهماهنگ رشد کرده و هرج و مرج و بی‌بندباری را به وجود آورد.

لذا بازشناسی نقش مادران و آسیب‌های تربیتی و آگاه کردن به وظایف و مسئولیت آنان در قبال فرزندان و نیز شناساندن شیوه‌های تربیتی اسلام از امور بسیار مهم و ضروری است. بدیهی است مادران زمانی می‌توانند وظیفه خود را در تربیت فرزندان به خوبی انجام دهند که اولاً با مطالعه دقیق و تدبر عمیق نسبت به اهمیت نقش و وظایفی که در تعلیم و تربیت دارند، شناخت و آگاهی خود را ارتقا دهند؛ ثانیاً از نیازهای جسمی و به ویژه روحی نوجوان و راه‌های برآورده کردن آنها شناخت کافی کسب کنند.

این پژوهش با هدف بررسی آسیب‌های تربیتی نوجوان از سوی مادر به رشته تحریر درآمده است. مهم‌ترین آسیب‌هایی که در تربیت نوجوان از منظر علم، سنت و قرآن وجود دارد، به شرح ذیل است:

انحراف فکری نوجوان

یکی از روش و حربه‌هایی که از دیرباز توسط دشمنان و استعمارگران علیه نوجوانان و جوانان به کار گرفته می‌شود، منحرف کردن افکار ایشان است.

در طی قرون گذشته، دشمنان همواره در تلاش بودند برای مبارزه با انبیاء و اولیای الهی،

افکار یاران ایشان را منحرف ساخته و مکتب ایشان را از بین ببرند. در عصر حاضر نیز از طرق مختلف فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی سعی در انحراف و مشغول نمودن افکار نوجوانان و جوانان دارند تا نسل حاضر را در مسیر اصلی خارج نمایند.

الف) فساد اخلاقی

فساد اخلاقی در اشکال و حالت‌های مختلف آن، از جمله عواملی است که نوجوانان و جوانان کشور ما را همواره تهدید می‌کند. در این میان استعمارگران و دشمنان نیز از هیچ کوششی دریغ نورزیده تا این فساد را ترویج و اشاعه دهند. تا از این طریق قدرت تفکر و اندیشیدن را از آنان گرفته و مانع پیشرفت جوامع اسلامی شوند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

اقعوا هذه النفوس فانها طلعة [طلقة] ان تطيعوها تنزع بكم الى شر غاية (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۲۳۹)؛

این نفوس سرکش را مقهور کنید و از خواهش‌های نادرست‌شان باز دارید که خودش را بی‌قیدند، اگر خواسته‌های آنان را پیروی نمائید، سرانجام شما را در بدترین پرتگاه می‌افکنند.

ب) شخصیت‌پرستی

از ویژگی‌های نوجوان شخصیت‌پرستی است. او در این مرحله، به جست‌وجوی انسان‌های مافوق برآمده و سعی می‌کند از طریق تخیل و پندارهای خود که گاه افراطی و غیرواقعی می‌نماید، آرمان‌های خود را پر و بال داده و از شخصیت برجسته مورد نظرش تقلید کند.

حال اگر نوجوان الگوی مناسب و مثبتی نداشته باشد، در پی همانندسازی خود با وی، دچار آشفتگی و هرج و مرج ذهنی، نامنظمی در افکار و رفتار و تشخیص غلط در هدف‌ها و تصمیم‌گیری‌های زندگی می‌شوند. دشمن نیز از این ویژگی بی‌بهره نمانده و همواره سعی دارد تا به وسیلهٔ بت کردن شخص یا اشخاصی، افراد ناآگاه و خام را جذب آنان سازد تا با مشغول شدن به این قضیه از ساختن شخصیت خود دور گردند.

انحراف جنسی

یکی از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی که طبقه نوجوان و جوان را در معرض خطر سقوط اخلاقی قرار می‌دهد، انحراف جنسی است. بدون شک، وسایل ارتباط جمعی، ماهواره و

اینترنت، از زمینه‌های بروز این انحرافات هستند. خطر شومی چون همجنس‌بازی، از شبکه‌های مخرب اینترنت به سرعت در حال ترویج است. با آغاز دوران بلوغ و شعله کشیدن حس و غریزه جنسی در نوجوانان، احساسات بر عقل غالب شده و اگر مراقبت‌های لازم صورت نگیرد، خیلی زود احساس بر عقل چیره شده و دچار آسیب جدی می‌گردد. این غریزه را نمی‌توان از نوجوان گرفت ولی اگر کنترل نشود نه تنها خود، بلکه جامعه را نیز با خود به انحطاط می‌کشاند.

بروز این غریزه علاوه بر خود نوجوان به عوامل بیرونی نیز بستگی دارد. خانواده، جامعه و محیطی که نوجوان در آن زندگی می‌کنند، نیز در این امر تأثیر گذارند (متقی، ۱۳۸۰ش: ۸۳). محققان اروپایی زمینه‌های متعددی را که موجب انحرافات جنسی می‌شود، بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که تجربه سوءاستفاده جنسی، عدم تعادل در خانواده، بی‌صلاحیتی اجتماعی کسانی که ازدواج کرده‌اند، طغیان و سرکشی در درون خانواده‌ها و مواردی از این قبیل، موجب انحراف جنسی جوانان می‌گردد (بیرجندی، ۱۳۴۱ش: ۳۸۶).

اگر با سهل‌انگاری و عدم توجه والدین، نوجوان با صحنه‌ها و مناظری که نباید به آنها بنگرد مواجه شود، علاوه بر ایجاد انحرافات اخلاقی، بیماری‌های روانی نیز به دنبال خواهد آورد. خود نوجوان هم ممکن است به این غریزه دامن زده و به چشم‌چرانی و شهوترانی و دوری از اندیشه و تفکر روی آورد. بنابراین لازم است نوجوان با توکل به خدا و پیروی از عقل و مشغول نمودن خویش به کارهای صحیح و مطالعه، خود را از این پدیده خطرناک محافظت نمایند.

آفات انحراف جنسی

انحراف جنسی، پدیده‌ای نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذر کرد. اگر به منحرف جنسی به عنوان یک بیمار و نه مجرم نگریسته شود، می‌توان راهکارهای فرهنگی مناسبی برای درمان این پدیده شوم اجتماعی ارائه داد. انحراف جنسی عواقب بسیار بدی دارد که یکی از آنها عمل شنیع استمناء است که ضربه‌های روحی و جسمی برای فرد ایجاد می‌کند. دیگر این که شخصیت نوجوان منحرف، متزلزل شده و نسبت به گناهان دیگر نیز بی‌اعتنا می‌شود.

مهم‌ترین آفاتی که آینده نوجوان منحرف جنسی را تهدید می‌کند، تأثیر منفی‌ای است که بر

زندگی خانوادگی و ازدواج وی گذاشته می‌شود. زیرا فردی که با هوس‌بازی به انواع امراض مقاربتی مبتلا می‌شود، خیلی مشکل می‌تواند با یک همسر و آن‌هم با صداقت و پاکی زندگی کند (متقی، ۱۳۸۰ ش: ۸۷).

در این‌گونه موارد تنها عامل بازدارنده در نوجوانان تقویت نیروی ایمان است. در کنار آن باید عواملی که موجب تشدید غرائز جنسی می‌گردد، از بین برده شود. برای این کار باید اوقات نوجوان را با ورزش‌ها و تفریحات سالم و سودمند، مطالعه و کارهای علمی پر کرد، چرا که خالی بودن اوقات زندگی نوجوان یکی از عوامل مهم در گرایش نوجوان به سوی انحرافات است. لازم است مادر به نوجوان آموزش دهد که حفظ ایمان، با نگاه به نامحرم، به خطر می‌افتد و او را نسبت به خطاب خداوند در قرآن هدایت و راهنمایی کند:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ * و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ (نور: ۳۰-۳۱)؛
 ای پیامبر! به مردان مؤمن بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم، فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این، برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند....

همچنین نوجوان باید بداند که پرهیز از نگاه کردن به نامحرم، از برترین عبادت‌ها محسوب می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

غض الطرف عن محارم الله أفضل عبادة (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۱، ۲۸۰)؛
 بهترین عبادت، چشم‌پوشی از محرمات است.

و بسیاری از راه‌های دیگر...

البته در این زمینه مادران به راحتی با استفاده از دستوراتی که خداوند در قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام در روایات خود و همین‌طور اندیشمندان در سخنان خود مطرح کرده‌اند، فرزند نوجوان خود را از انحرافات حفظ نمایند.

اوقات فراغت

والدین علاوه بر تأمین نیازهای جسمی و فراهم کردن خوراک و پوشاک برای فرزندان، باید در نظر داشته باشند که نوجوانان نیازهای جسمی و روانی متنوعی دارند که برخی از آنها با گردش و سفر و شرکت در فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، هنری و... برآورده می‌شوند.

در طی سال تحصیلی، نوجوانان قسمتی از اوقات فراغت‌شان را در انجام وظایف مدرسه و امور شخصی می‌گذرانند و برای پر کردن بقیه ساعات شبانه‌روز والدین به ویژه مادران مؤظفند، تدابیر لازم را به کار گیرند. چرا که در غیر این صورت امکان دارد نوجوان خود دست به کار شده و در این اوقات به کارهای بیهوده و مخرب مانند ایجاد رابطه با اشخاص غیر صالح و غیرهمجنس بپردازند:

تقسیم اوقات و نظم دادن به زندگی، برای جلوگیری از هدر رفتن فرصت‌ها و اوقات، يك دستور است. هرگز برای مؤمن، اوقات فراغت به معنای بیکار بودن وجود ندارد. بیکاری و فراغت برای کسی است که نظم ندارد (رحیمی، ۱۳۹۰ش: ۶۵-۶۶).

بر این اساس مادر باید طوری برنامه‌ریزی کرده و شرایط را فراهم نماید که فراغت بی‌حاصل نوجوان را به سوی شکوفاسازی سرمایه‌های فطری و الهی سوق دهد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

واجتهدوا ان یکون زمانکم اربع ساعات: ساعة لله لمناجاته وساعة لامرالمعاش و ساعة لمعاشره الاخوان الثقات والذین یعرفونکم عیوبکم ویخلصون لکم فی الباطن و ساعة تخلون فیها للذاتکم (مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۶ق: ۳۳۷)؛

کوشش کنید شبانه‌روز خود را به چهار بخش تقسیم نمائید: بخشی را برای عبادت و مناجات با خدا، بخشی را برای کار، بخشی را برای معاشرت با «برادران دینی مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌های‌تان آگاه می‌سازند و در باطن هم نسبت به شما خالص و خیرخواهند» و بخشی هم برای تفریح و استراحت [تا برای کارهای دیگر نشاط پیدا کنید].

قرآن کریم کل هستی و تمام جزئیات آن را هدفمند و قانونمند می‌داند و در آیات بسیاری به اهمیت وقت و زمان اشاره داشته است:

«هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا» (انسان: ۱)؛
آیا به راستی، روزگارانی نگذشت که چیزی در خور گفتن نبود؟

از طرفی اسلام دین اعتدال است چه در جایگاه تفریح و سرگرمی و چه در جایگاه دیگر، به اعتدال و در نظر داشتن رضا و خشنودی خداوند سفارشات عدیده‌ای داشته است.

براساس این تفسیر، انسان مسلمان باید هم به جسم و ابعاد جسمانی (کسب سلامت، نشاط، آسایش خاطر و نیرومندی بپردازد و هم به ابعاد روحانی و معنوی (عبادت، خدمت به خلق) توجه داشته باشد. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

... فان قدرت لنا فراغا من شغل فاجعله فراغ سلامة لاتدرکنا فيه تبهة، ولا تلحقنا فيه سئمة، حتى ينصرف عنا كتاب السيئات بصحيفة خالية من ذكر سيئاتنا، ويتولى كتاب الحسنات عنا مسرورين بما كتبوا من حسناتنا... (صحيفة كاملة سجادية، دعای (۱۱):

... خداوندا اگر برای ما فراغتی از کارهای دنیا مقدر فرموده‌ای، پس آن را فرصتی همراه با سلامتی قرار ده که در آن رنجی حاصل نشود و ملالتی به وجود نیاید، تا این که فرشتگانی که به ثبت گناه مأمورند با صحیفه‌ای خالی از گناه از پیش ما بروند و فرشتگان مأمور به نیکی‌ها، خوشحال از اعمالی که از ما نوشته‌اند، از نزد ما بروند.

بنابراین از نظر اولیای الهی فراغتی که همراه با یاد خدا و استفاده بهینه از فرصت‌های به دست آمده باشد، پسندیده است. در عوض آن فراغتی که با بیکاری و تن‌پروری و بدون هدف باشد، مذموم و همراه با خواسته شیطانی است. چنان که امام علی علیه السلام فرمودند:

مع الفراغ تكون الصبوة (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۳۲۵):

همراه با بیکاری، تمایل به خواسته‌های شیطانی حاصل می‌شود.

از جمله اعمالی که مورد سفارش اولیای الهی است، آموزش شنا و تیراندازی و ریسندگی است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

علموا أولادکم السباحة والرماية (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۶، ۴۷):

به فرزندان خود شنا کردن و تیراندازی بیاموزید.

در جای دیگر فرمودند:

أحب اللهو إلى الله تعالى إجراء الخيل والرمي (همان: ۳۸):

محبوب‌ترین سرگرمی نزد خدا اسب‌دوانی [سوارکاری] و تیراندازی است.

محبت بی حد و حصر

یکی از عوامل مهم در تربیت نوجوانان سیراب نمودن آنان از محبت و عاطفه است. «اثر محبت در رشد روانی فرزندان مانند اثر نور و حرارت در رشد دانه گیاهان است. تا گرمای محبت به فرزندان یک خانواده نرسد و آنان را سیراب نسازد، رشد روانی و شخصیتی آنها به طور طبیعی به انجام نمی‌رسد (احسانی، ۱۳۸۸ ش).

در مورد عشق و محبت ورزیدن به فرزند سفارشات زیادی از ائمه معصومین علیهم السلام شده است.

رسول اکرم ﷺ می فرماید:

من قبل ولده كتب الله عزوجل له حسنة و من فرحه فرحه الله يوم القيامة (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۲، ۴۹)؛
هرکس فرزندش را ببوسد خداوند برای او يك حسنه می نویسد و هرکس او را شاد کند خداوند روز قیامت او را شاد می کند.

همان طور که طبق تجربه بسیاری از انحرافات نوجوانان از کمبودهای عاطفی و محبت آنها در خانواده نشأت می گیرد، محبت فوق العاده نیز روش غلط دیگری است که در تربیت به کار می رود. از جمله معایبی که محبت بی حد و حصر دارد این است که در مواقعی که حوادث و اتفاقات غیرمنتظره برای نوجوان پیش می آید، در آنها درمانده می شوند و معمولاً افرادی متکی و تابع دیگران بار می آیند. به طوری که بدون اتکا و یاری والدین از عهده مشکل خود بر نمی آیند. امام باقر علیه السلام می فرماید:

شر الآباء من دعاه البر إلى الإفراط... (یعقوبی، ۱۳۶۶ ش: ۵۳)؛
بدترین خانواده ها، خانواده هایی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان، از حد تجاوز کنند و به زیاده روی بگرایند.

چنین افرادی در ایجاد ارتباط عاطفی و تعادل با دیگران، موفق نخواهند بود، زیرا انتظارات بی جای آنان از دیگران، آنها را فردی زودرنج و شکننده می سازد و با وجود روحیه آسیب پذیرشان خیلی زود با مشکلات جدی روبرو می گردند (احسانی، ۱۳۸۸ ش).
امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

من كلف بالأدب قلت مساویه (تیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۲۴۷)؛
هرکس که سختی تأدیب را تحمل کند، بدی هایش کم خواهد شد.

بنابراین نقش مادر که منشأ عاطفه و محبت است بسیار جدی است به طوری که باید عاطفه و محبت خود را به جا و اندازه نثار نوجوان خود کند تا در آینده دچار مشکلات نگردد.

خشونت

یکی از عوامل شایعی که دارای اثرات تربیتی سوء در فرزندان است، استفاده بی جا از خشونت و ضرب و شتم و اهانت و توبیخ و شدت عمل در برابر آنان است. نوجوانان بسیاری به علت خشونت والدین از تربیت سالم محروم شده اند و به علت خشونت زیاد آنها، از روحیه

ناسالم برخوردارند.

نوجوانانی که مرتب مورد خشونت قرار می‌گیرند، راه‌های تسلط بر دیگران یا قبول تسلط همیشگی بر خودش را می‌پذیرد.

چنین افرادی به علت در معرض خشونت بودن، گرفتار عقده حقارت می‌شوند، این حقارت خود منشأ بسیاری از انحرافات و رفتارهای نادرست است.

به علاوه، اگر والدین رفتاری خشونت‌آمیز داشته باشند، دیگر در فضای خانه از صمیمیت و همدلی خبری نخواهد بود و بذر دشمنی و کینه در نهاد نوجوان پاشیده می‌شود.

«خشونت علیه فرزندان به ویژه در دوران نوجوانی موجب پیدایش بدبینی نسبت به زندگی و احساس پوچی و بدبختی در نوجوانان می‌شود، گویی آنها از زندگی خود سرد و ناخشنودند، پیدایش چنین روحیه‌ای در نوجوانان زمینه را برای انواع انحراف‌ها فراهم می‌سازد و آنها را به سرعت به سوی عواملی که بتوانند اضطراب و ناآرامی آنها را هرچند به طور موقت فرو نشانند سوق می‌دهد» (احسانی، ۱۳۸۸ش). در بسیاری از موارد، خشونت و ملامت زیاد بیشتر نفرت ایجاد می‌کند (مطهری، ۱۳۶۶ش: ۲۱۶).

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ایاک ان تکرار العتب فان ذلك یغری بالذنب و یهون العتب (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۲۲۳)

از تکرار سرزنش بپرهیز؛ زیرا فرد را به گناه جری و سرزنش را بی‌اثر می‌کند.

قرآن کریم علت جذب مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را رقت قلب و نرم‌خویی ایشان می‌داند:

«و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (آل عمران: ۱۵۹)؛

اگر خشن و سنگدل می‌بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

تنبیه

اگرچه تجربه نشان داده است که تنبیه در کاهش رفتار نامطلوب موثر بوده است. اما باید در نظر داشت که تنبیه، رفتار مورد تنبیه را از بین نمی‌برد، بلکه موقتاً مانع ارتکاب مجدد آن می‌شود. نوجوانانی که پی در پی توسط والدین خود مورد تنبیه قرار می‌گیرند، معمولاً میل به در کنار آنان ماندن را ندارند. شاید یکی از دلایل تنها ماندن والدین در سالخوردگی همین باشد. بعضی از کسانی که مورد تنبیه واقع می‌شوند، یا شاهد تنبیه افرادی بوده‌اند، در مکان‌ها و

مواقعی خود به تنبیه دیگران می‌پردازند. در واقع این نوعی بدآموزی توسط والدین به نوجوانان می‌باشد.

«بعضی از محققان معتقدند که به همین طریق بدرفتاری با کودک از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. بسیاری از والدین که فرزندان خود را کتک می‌زنند خودشان در کودکی و نوجوانی اذیت و آزار دیده‌اند» (احسانی، ۱۳۸۸ش).

تنبیه می‌تواند سبب نگرانی‌های شدید و ترس کودک گردد. به طوری که گاهی تا آخر عمر گریبان‌ش را می‌گیرد.

یکی دیگر از ایراداتی که بر تنبیه وارد می‌شود، این است که آثاری که بر جای می‌گذارد مثل پاداش، قابل پیش‌بینی نیست. چرا که پاداش مشوق تکرار آن عمل است ولی تنبیه مخالف آن عمل. اما فرد تنبیه‌کننده با منع از کار نوجوان، نمی‌گوید که چه کاری به جایش بکن و ممکن است جای آن عمل مورد تنبیه، عمل و یا رفتار نامطلوب دیگری اتفاق بیفتد.

«گزارش‌های متعدد از استان‌های مختلف اثبات می‌کند که کودکان و نوجوانان تنبیه شده، اغلب از کانون‌های اصلاح و تربیت سردر می‌آورند یا به افراد تحقیر شده و مظلومی تبدیل می‌گردند که جرأت اظهار وجود و احقاق حقوق خود را ندارند» (علوی یزدی، ۱۳۸۰ش: ۳۹).
و پر واضح است که همین عدم جرأت اظهار نظر و توانایی احقاق حق خود، موجب بزه‌دیدگی و انحراف نوجوان می‌گردد.

البته خدای متعال در قرآن و اولیای الهی در سخنان گرانبارشان برای جلوگیری از انحراف و تربیت فرزندان تنبیه را تا حدودی جایز دانسته‌اند. چنان‌که در آیات زیادی از قرآن وعده‌های عذاب به گنهکاران جهت تنبیه آنان داده شده است (نساء: ۵۶؛ مائده: ۱۰؛ طه: ۷۴ و...).
و در دنیا نیز مجرمان به فراخور خطا و گناهی که انجام داده‌اند، از قتل و قصاص گرفته تا گناه و تازیانه و حبس مجازات می‌گردند. در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام هم مواردی مشاهده می‌گردد:

از امام صادق علیه‌السلام درباره کودکی که به مرحله جوانی رسد و مسیحیت را برگزیند - درحالی که یکی از پدر و مادرش یا هر دو مسلمان بوده باشند - فرمود:

لا یترک ولیکن یضرب علی الإسلام؛

جوان به حال خود رها نمی‌شود بلکه برای قبول اسلام او را تنبیه بدنی می‌کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۸، ۵۴۶).

همان طور که از روایات فهمیده می‌شود، تنها در موارد خاصی که برای فرزند سرنوشت‌ساز است و نه هر عملی که از فرزند سر می‌زند و مورد رضای والدین نیست - تنبیه جایز می‌باشد. راسل می‌نویسد:

به عقیده من تنبیه بدنی به هیچ وجه صحیح نیست. ولی صورت خفیف آن کم‌زیان است لیکن هیچ‌گونه سودی هم ندارد. و من این‌طور اقناع شده‌ام که صورت سخت و شدید آن موجب پیدایش قساوت و وحشی‌گری می‌گردد (راسل، ۱۳۴۷ش: ۱۶۵).

انگ زدن و مخاطب قرار دادن با عناوین و القاب نادرست

از دیگر روش‌های نادرستی که والدین و پدران هنگامی که نوجوان رفتاری غلط و یا کار نادرستی مرتکب می‌شوند به کار می‌برند، خطاب کردن آنان با القاب و عناوین زشت و ناپسند است.

والدین باید بدانند که با این کار خود چه تأثیرات بد و مخربی در شخصیت نوجوان خود برجای می‌گذارند. زیرا با مخاطب قرار دادن نوجوان با القاب زشت، عزت نفس نوجوان مخدوش شده و موجب خشم و ناخرسندی وی می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ایاک و مستهجن الکلام فإنه یوغر القلب [القلوب] (تمیمی، ۱۳۶۶ش: ۲۱۴)؛
از کلمات مستهجن و زشت بپرهیز که باعث کینه و دشمنی دل می‌گردد.

از دیگر آثار استعمال این الفاظ و القاب، به خصوص اگر تکرار شود، یک خودانگاره منفی در شخصیت نوجوان، شکل گرفته و هویت وی را از مسیر صحیح منحرف می‌سازد. در نتیجه دیگر خود را دوست نداشته و برای خود ارزش و احترام قائل نمی‌شود. این‌گونه افراد، در استنباط از خود، دچار سردرگمی و تضاد هستند. برخی معتقدند که «هیچ چیز در دنیا برای نوجوان به اندازه پرسش‌هایی که به هویت او مربوط می‌شود، نگرانی و دلواپسی ایجاد نمی‌کند» (کواراسوس، ۱۳۶۷ش: ۳۹).

برخی از این عناوین، طوری روح و روان نوجوان را متأثر و مضطرب می‌سازند که تعادل روانی وی را برهم زده و موجب روی‌آوری او به سوی مواد مخدر، آرام‌بخش‌ها و یا خودکشی می‌گردد.

بنابراین باید دانست که برای مقابله با لغزش‌ها و انحرافات نوجوان نباید از الفاظ و عناوین زشت استفاده کرد. چرا که يك عمل غیراخلاقی و مخالف قانون است و قرآن کریم نیز افراد را از

این که یکدیگر را با القاب زشت صدا بزنند، نهی فرموده است:

«ولا تنازوا بالألقاب» (حجرات: ۱۱).

پیامبر ﷺ می فرماید:

بادروا أولادکم بالکنی قبل أن تغلب علیهم الألقاب (الهندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۶، ۴۱۹)؛
پیش از آن که لقب‌های زشت بر فرزندان تان غلبه پیدا کند، لقب‌ها و کنیه‌های خوب بر
آنان بگذارید.

تبعیض و تفاوت‌گذاری

این روش اگرچه در مقام اصلاح و ایجاد رفتار هم مؤثر است ولی اگر با توجیه و تبیین برای
نوجوان همراه نباشد، این عدم رعایت مساوات، تعادل روحی وی را برهم زده و موجب ایجاد
تنش و دلهره و اضطراب و حقد و کینه نسبت به طرف متفاوت خود می‌گردد.
خداوند متعال در قرآن کریم، در سوره یوسف به این نکته مهم اشاره نموده است؛ چرا که
یعقوب علیه السلام در ابراز محبت نسبت به فرزندان از تساوی رفتار برخوردار نبوده و همین امر،
فرزندان دیگرش را تحریک نمود:

«إذ قالوا لیوسف وأخوه أحب إلى أئینا منا ونحن عصبة إن أبانا لفي ضلال مبین» (یوسف:

۸)؛

آن‌گاه که (برادران) گفتند: یوسف و برادرش [بنیامین] نزد پدر، از ما محبوب‌ترند، در حالی
که ما خود گروه نیرومندی هستیم. مسلماً پدر ما، در گمراهی آشکاری است!

همین پندار موجب بزهکاری فرزندان یعقوب علیه السلام و اندوه و غم حضرت شد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام از قول پدر بزرگوارشان می‌فرماید که:

والله إني لأصنع بعض ولدی وأجلسته علی فخذی و اکثرله الشکر و أن الحق لغيره من
ولدی، ولكن محاقاة علیه منه و من غیره لئلا یصنعوا به ما فعل بیوسف و إخوته (مجلسی،

۱۴۰۳ق: ج ۷۴، ۷۱، ۷۴)؛

قسم به خدا که من گاهی با برخی از فرزندانم مدارا و ملامت می‌کنم و او را روی زانوی
خویش نشانده و مغز قلم برایش بیرون می‌آورم و شکر را نرم کرده و در دهانش می‌ریزم،
درحالی که می‌دانم فرزند دیگرم سزاوار چنین یاری است. این کار را برای آن می‌کنم که
او (فرزند مورد توجه) و سایر فرزندانم بر ضد وی (فرزند صاحب حق) تحریک نشده و کاری
را که برادران یوسف با وی انجام دادند، مرتکب نشوند.

والدین به ویژه مادران باید توجه داشته باشند که تفاوت بین افراد و فرزندان شان با یکدیگر وجود دارد. امام علی علیه السلام در روایتی تأکید دارد که تفاوت‌ها بین افراد، سبب رشد جوامع است و شبیه بودن آنها، موجب سقوط و هلاکت جوامع بشری می‌شود (همان: ج ۷، ۱۰۱)، را که اگر تفاوتی وجود نداشته باشد، حرکت و تحولی در جامعه ایجاد نخواهد شد و جامعه رشدی نخواهد داشت. ولی این تفاوت‌ها در فرزندان نباید نوع رفتار و کردار مادر نسبت به آنان را تغییر دهد به صورتی که یکی از امکانات و توجه ویژه‌ای نسبت به دیگری برخوردار گردد.

بزهکاری نوجوانان

بزهکاری نوجوانان به مسئله‌ای با قدمت و پیشینه طولانی است. حتی در مکتب اسلام علاوه بر توصیه‌هایی جهت بهداشت اجتماع، نسل، خانواده و روش‌های تربیتی صحیح، احکام خاصی برای مقابله با کج‌رفتاری‌ها و جرایم نوجوانان وجود دارد. بزهکاری یک رفتار ضداجتماعی است و انواع مختلفی دارد که دزدی، همجنس‌بازی، اعتیاد و... را شامل می‌شود. «از لحاظ میزان وقوع در بین پسران ۵ برابر بیشتر از دختران است تخلفات پسران بیشتر شامل دزدی، تجاوز جنسی، اعتیاد و خطاهای کینه‌توزانه بوده است. در دختران بیشتر شامل فرار از منزل، رفتار جنسی غیرمجاز و مصرف مواد مخدر است» (حسینی هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

علل و عوامل بزهکاری

بزهکاری مسئله‌ای نیست که تنها از علل و عوامل اجتماعی نشأت بگیرد. «بلکه پدیده‌ای زیستی- روانی- اجتماعی است و ریشه آن را باید در این سه مقوله جست‌وجو کرد و هرگونه تلاشی که تنها معطوف به یکی از این سه و نادیده انگاشتن دو بعد دیگر باشد، مقرون به واقعیت نخواهد بود به همین جهت است که تبیین‌های امروزی در باب جرم و بزهکاری، بیشتر تلفیقی و ترکیبی است؛ نه آن‌که تنها بر محور خاص شرایط جسمی بزهکار، یا عوامل اجتماعی یا روانی او تکیه کند» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۸۰).

با وجود این بیشتر صاحب‌نظران اذعان دارند که بیشترین تأثیری که بر ظهور «بزهکاری نوجوان» می‌گذارد، مسئله عدم تأمین «امنیت روانی» که از اساسی‌ترین نیاز در نوجوان است، می‌باشد. امام صادق علیه السلام در مورد اهمیت ارضای نیاز به امنیت می‌فرماید:

خمس من لم تکن له لم یتهن بالعیش: الصحة و الأمن والغناء والقناعة و الأنیس

الموافق (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۴۹):

هرگاه این پنج چیز برای کسی فراهم نباشد، زندگی او برایش ناگوار و ناسالم خواهد بود: سلامت، امنیت، ثروت، بی‌نیازی و همسر همراز و همدم.

«آبراهام مزلو» نیاز به امنیت را از جمله نیازهای اساسی روانی بشر می‌داند و معتقد است که: آنچه باعث می‌شود کودک، احساس ناامنی کند، عبارت است از غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتارها و حوادث برای او، بی‌عدالتی، بی‌انصافی، ناسازگاری والدین و به طور کلی، هر پیش‌آمدی که این احساس را در کودک ایجاد کند که دنیا، جای امنی نیست و حوادث یا رفتارهای والدین، قانونمند و تابع هیچ ضابطه‌ای نیستند. همچنین خشم یا گاهی تهدید والدین، مبنی بر تنبیه کودک، ناسازگویی و پرخاشگری نسبت به او، بد رفتاری با او و هرچه باعث وحشت و اضطراب وی شود، احساس امنیت کودک را به خطر می‌اندازد و پیامدهای آن، زیاد خواهد بود (فقیهی، ۱۳۹۱ش: ۱۸۹).

رفتار خشونت‌آمیز با نوجوان، جدایی (طلاق) والدین، اعتیاد والدین، کمبود محبت، احساس تنهایی و بی‌پناهی، یأس و ناامیدی، تضاد طبقاتی، فقر، بیکاری، احساس حقارت، نقص عضو، از دست دادن عزت نفس، اوضاع و احوال اجتماعی و... از جمله عواملی هستند که در بروز جرم و بزهکاری مؤثرند:

پژوهش لوتونور نشان داده است از میان ۴۲۲ نفر محکوم به اعمال شاقه، ۸۱ درصد از آنان بخشی از دوران نوجوانی را در خانواده‌های از هم گسیخته و نابسان به سر برده بودند (قائمی، ۱۳۶۹ش: ۶۶).

دکتر «لوسین بودت» یکی از مشاوران بهداشت سازمان بهداشت جهانی می‌نویسد: از هر راهی که بزهکار وارد بزهکاری شود و در همه عواملی که به جرم و بزهکاری می‌انجامد، وجه مشترک آنها، عدم امنیت، اضطراب، ستیزه‌جویی و احساس گناه است (کواراسوس، ۱۳۶۷ش: ۳۶).

در دوران نوجوانی و بلوغ، تغییرات زیادی در وضعیت روانی و جسمی فرد ایجاد می‌شود و روان‌شناسان از این دوران به دوران بی‌سر و سامانی روانی، دوره طوفان و فشار، دوران بحران (هویت) و تعابیری از این قبیل یاد کرده‌اند.

در روایات نیز از این دوران، به دوران «سکر» و «جنون» یاد شده است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ با اشاره به تحولات روانی در دوران نوجوانی می‌فرماید:

الشباب شعبة من الجنون (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۳۷۷):

مرحله آغازین جوانی (نوجوانی) شاخه‌ای از جنون است.

به نظر بنده در قرآن آیه‌ای که صراحتاً بزه نوجوان را بیان کند، دیده نشده است، اگرچه موارد مشابه زیادی وجود دارد. قرآن در مورد افرادی که با نفس پاک خویش، معامله بد می‌کنند، بیان می‌دارد:

«بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله بغيا أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده فبأءوا بغضبا على غضب و للکافرین عذاب مهین» (بقره: ۹۰)؛
بد معامله‌ای با خود کردند که به نعمت قرآن که از لطف خدا بر آنها نازل شد، کافر شدند و (از روی حسد) راه ستمگری پیش گرفتند که چرا خدا فضل خود را مخصوص بعضی از بندگان گرداند و به واسطه این (حسد) باز خشمی دیگر از خدا برای خود طلبیدند و برای کافران از قهر خدا عذاب خواری مهیاست.

و یا درباره کسانی که به خود و یا خانواده خود زیان رسانند می‌فرماید:

«من خفت موازینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم بما كانوا بآياتنا يظلمون» (اعراف: ۹)؛
آنان که ترازوی اعمال‌شان سبک گشته است کسانی هستند که به آیات ما ایمان نیاورده بودند و از این رو به خود زیان رسانیده‌اند.

امام علی علیه السلام فرمودند:

من حاسب نفسه ریح و من غفل عنها خسر (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۸، ۳۵۲، ح ۹)؛
کسی که از نفس خود حساب بکشد، سود برد و هرکه از آن غافل ماند، زیان کند.

با همه این تفاسیر والدین باید بدانند که به گونه‌ای با نوجوانان برخورد نکنند که منجر به تشدید عصبانیت، عصیان‌گری، اضطراب، دلهره و ناآرامی روانی و عناد آنان گردد، چرا که چنین حالاتی به اندازه کافی در این دوران مشاهده می‌گردد. فراهم آوردن زمینه مناسب برای رشد حس خود ارزشمندی نوجوان، امکان‌رهایی او از گرایش‌های منفی و آزادگی او را فراهم می‌آورد. امام علی علیه السلام در این باره فرمودند:

اکرم نفسك عن كل دنیة ... و قد جعلك الله حرا (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

اگر نوجوان عزت نفس داشته باشد، به سوی رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه کشیده نمی‌شود، حضرت همچنین فرمودند:

من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیة (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۲۳۱).

به طور خلاصه می‌توان بیان داشت که وجود پیوندهای محکم عاطفی، برقراری انس و الفت با نوجوانان و کاستن کمبودهای عاطفی آنان، تا اندازه‌ای در جلوگیری از بروز بزهکاری، انحرافات اخلاقی و جنسی مؤثر است.

کم‌توجهی به مسائل معنوی

شناخت علل و عوامل بی‌توجهی و کم‌توجهی نوجوان و جوان به مسائل معنوی و دینی از جمله مسائل مهمی است که باید مورد بررسی و آسیب‌شناسی و بعد درمان قرار گیرد. تجربه نشان داد و تحقیقات ثابت کرده که هرگاه فردی از نور معنویت و دین بهره‌مند گردد و آن را در وجود خود به باور برساند، به طور قطع آن را در عمل نمایان می‌سازد پس ابتدا باید موانع را شناخت و بعد به دنبال موانع گشت و بعد از آسیب‌شناسی، فرهنگ‌سازی کرد. اگر ما فقط به دنبال مبارزه با فرهنگ بیگانه باشیم و فرهنگ‌سازی نکنیم و اصول و مبانی زیبای دین مبین اسلام برای نوجوان و جوان ما جذاب جلوه نکنند، به جای دارو، بیماری را در رگ‌های ایشان تزریق نموده‌ایم. نوجوان و جوان سرشار از عشق است و والدین، به خصوص مادر می‌توانند به عشق او جهت دهند.

لذا لازم است که والدین در امر تربیت دینی فرزندان خود از مسائلی چون برنامه‌های فرهنگی جذاب، شناخت صحیح برای ایجاد نگرش مثبت، برنامه‌هایی برای ایجاد تحول درونی، نداشتن افراط و تفریط در برنامه‌ها و شیوه‌های خود و... بهره بگیرند.

به فرمایش امام خمینی رحمته‌الله علیه:

جوانان تا جوانی را در دست دارند باید در تهذیب و رفع حجب قلب بکوشند، چون جوانان به افق ملکوت نزدیک‌ترند. (فکری، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷)

در ارتباط با آسیب‌شناسی نماز می‌توان بیان داشت که قرآن چهار نوع نماز را مورد مذمت قرار داده است: نمازهای بدون آگاهی، بدون نشاط، بدون اخلاص و بدون حضور قلب. «بنا به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام باید فرزندان خود را مطابق زمانه پرورش دهیم و روحیه نوگرایی آنان را در نظر بگیریم. آغوش باز والدین و مربیان متعهد می‌تواند از نوجوان و جوان دین‌گریز، ناامید و افسرده، نوجوان و جوانی مؤمن، بانشاط و شاداب بسازد؛ با تفهیم این مطلب که خدا توبه‌پذیر و مهربان است» (همان: ۱۵۸).

در خانواده‌ای که معنویت جایگاهی ندارد و یا به ظاهر معنوی و دینی به نظر برسد ولی در

کنار نماز خواندن و عبادت، دروغگویی، غیبت، همسایه آزاری، بدزبانی و... برایش عادی است، نوجوان و جوان، آن از دین گریزان خواهد بود.

نقش لقمه حرام

یکی از موانع مهم در اقامه فرائض دینی لقمه حرام است. در قرآن کریم حضرت شعیب ع قوم خود را به شدت از کم فروشی برحذر داشتند:

﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ﴾ (هود: ۸۵)؛

ای قوم در سنجش وزن و کیل (اجناس) عدالت کنید.

و نیز در سوره مطففین می خوانیم:

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزَنُوهُمْ

يَخْسِرُونَ﴾ (مطففین: ۱-۳)؛

وای به حال کم فروشان، آنان که چون به کیل چیزی از مردم بستانند تمام بستانند و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم فروشند.

همچنین در سوره مؤمنون آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ (مؤمنون: ۵۱)؛

ای رسولان ما از غذاهای پاکیزه و حلال تناول کنید و به نیکوکاری بپردازید....

پرواضح است که دلیل تأکید خداوند بر نهی کم فروشی و به دست آوردن مال حلال تأثیری است که لقمه حرام بر قلب، مغز و سایر اندامهای انسان می گذارد و در نتیجه تفکر، تصمیم گیری ها، برخوردها و همه وجود ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد و دیگر ارزش های بنیادین و اصیل اسلام ارزشی نخواهند داشت و کلام حق شنیده نخواهد شد.

مسلم کسی که نماز می گذارد ولی از لقمه حرام تغذیه می کند، در تربیت صحیح خانواده و به خصوص فرزندان او مانع ایجاد می گردد. چرا که پیامبر اکرم ص فرموده اند:

الصلاة مع اكل الحرام كالبناء على الرمل (قرائتی، ۱۳۷۴ ش: ۹۰)؛

نماز حرام خواران مثل بنای ساختمان بر ریگ است.

قرآن کریم نیز شریک بودن شیطان در اموال و فرزندان بعضی از انسان های گنهگار را متذکر شده است:

«وشاركهم في الأموال والأولاد» (اسراء: ۶۴).

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال یکی از یاران خود به نام «محمد بن مسلم» فرمودند: مشارکت شیطان در فرزند از راه نطفه‌ای که از غذای حرام باشد، پدید می‌آید (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۱۸۳-۱۸۴).

«در میان گناهان، تغذیه حرام بیشترین نقش را در انحراف از حق ایفا می‌کند. از این رو دین مقدس اسلام نه تنها افراد مکلف را از خوردن غذای حرام بازداشته، بلکه در کنار توصیه به حلال بودن غذای مادران در دوران بارداری و شیردهی به حلال بودن غذای اطفال و کودکان نابالغ نیز توجه بسیار کرده است، زیرا اگرچه تکلیفی در این رابطه متوجه کودکان نیست ولی آثار وضعی غذای حرام بر ساختمان فکری و روحی آنها و همچنین بر سرنوشت آینده‌شان غیرقابل انکار است» (مؤیدی، ۱۳۸۸ش: ۷۴).

امام سجاد علیه السلام فرمودند:

وأما حق ولدك فان تعلم أنه منك مضاف إليك في عاجل الدنيا بخيره و شره و أنك مسؤول عما وليته (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۴۲۱)؛
اما حقی که فرزندت بر تو دارد این است که بدانی او از تو و وابسته به توست و خوب و بدش در این دنیا به تو ارتباط دارد و بی‌شک تو در مقام سرپرستی او (در پیشگاه الهی) مسئولیت داری.

نتیجه‌گیری

دوران کودکی و نوجوانی بهترین و مناسب‌ترین زمانی است که پدر و مادر می‌توانند فرزند خود را با اخلاق و آداب اسلامی آشنا سازند؛ زیرا در این دوران، فرزندان تنها پدر و مادر و محیط خانواده را می‌شناسند و به اصطلاح گوش و چشم آنها بسته است و تنها تحت پوشش شخصیتی خود تغذیه روحی و فکری می‌شوند. آسیب‌شناسی، مخاطب‌شناسی و برنامه‌ریزی صحیح و کارآمد در جهت پیشبرد اهداف تربیتی به ویژه در دین مبین اسلام برای والدین به خصوص مادران امری ضروری است تا با شناسایی آنها فرزندان خوب و شایسته‌ای تحویل جامعه دهند. عدم درک صحیح دنیای نوجوانی، خود موجب می‌شود، روش‌ها و تدابیری که در راه تربیت و هدایت این نسل اتخاذ می‌گردد، نه تنها نتیجه‌بخش نباشد؛ بلکه مضر و زیان‌آور باشد. بنابراین، با توجه به حساسیت ویژه دوره بلوغ از نظر جسمانی، عاطفی، عقلانی، اخلاقی، اجتماعی و به طور کلی رشد شخصیت نوجوانان، بایستی این دوره را مهم تلقی نمود و

از طریق آموزش های لازم و صحیح، نوجوانان را هدایت و ارشاد کرد.

مربیان بزرگ اسلام (ائمه معصومین علیهم السلام) در سخنان گرانقدر خود، بارها و بارها از این امر مهم پرده برداشته و آثار مثبت تربیت و پیامدهای منفی بی توجهی به این امر را در روایات گوناگون بیان داشته اند. به کارگیری آموزه های دینی در تربیت نوجوان نه تنها مایه توفیق مادر در این امر پرمخاطره می گردد، بلکه نوجوان نیز با اطمینان خاطر بیشتری، روش های تربیتی وی را به کار می بندد و از انحراف فکر و تزلزل روح و شخصیت او کاسته شده و به آرامش واقعی دست می یابد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضر الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، سوم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: اسلامی، دوم.
۳. احسانی، طاهره (۱۳۸۸ش)، *بررسی نقش والدین در تربیت نوجوانان و جوانان*، لردگان، www.gorohrahnamaie
۴. احسائی، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینییه*، تحقیق: آقا مجتبی محمدی عراقی، قم: سیدالشهداء.
۵. بیرجندی، پروین (۱۳۴۱ش)، *روان شناسی مرضی*، تهران: دهخدا.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول.
۷. تندنویس، فریدون (۱۳۸۳ش)، *حرکت شناسی*، تهران: دانشگاه تربیت معلم، هشتم.
۸. حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۵ش)، «*تحلیلی درباره تأثیر روش های نادرست بر امنیت روانی بزهکاران نوجوانان*»، *جوان و آرامش روان؛ مشکلات مشاوره و درمانگری با نگرش اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۰. حسینی هاشمی، فاطمه (۱۳۸۳ش)، *نقش مادر در تربیت نوجوان از دیدگاه علم، قرآن و سنت*، مشهد: حوزه علمیه حضرت نرجس علیها السلام.
۱۱. دشتی، محمد (۱۳۶۸ش)، *مسئولیت تربیت (بررسی نقش زنان و مادران در تکامل کودک)*، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیهم السلام، ششم.
۱۲. راسل، برتراند (۱۳۴۷ش)، *در تربیت*، ترجمه: عباس شوقی، تهران: عطائی.
۱۳. رحیمی، عباس (۱۳۹۰ش)، *جوان موفق*، قم: جمال، دهم.
۱۴. السیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر جلال الدین (۱۴۰۱ق)، *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، بیروت: دارالفکر.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۵ق)، *مشکاة الانوار فی غرر الأخبار*، نجف: حیدریه، دوم.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، *الخلاف*، تحقیق: علی خراسانی و دیگران، قم: نشر اسلامی، اول.
۱۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان.
۱۸. علوی یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰ش)، «تنبیه بدنی در مدارس و عواقب آن»، *فصل‌نامه تعلیم و تربیت*، سال هفدهم، شماره ۲.
۱۹. فقیهی، علی نقی (۱۳۹۱ش)، *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث*، قم: دارالحدیث، پنجم.
۲۰. فکری، شهناز (۱۳۹۱ش)، *شیوه‌های تشویق نوجوانان و جوانان به نماز*، قم: خادم‌الرضا.
۲۱. قائمی، علی (۱۳۷۸ش)، *کودک و خانواده نابسامان*، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، دوم.
۲۲. قرائتی، محسن (۱۳۷۴ش)، *پرتوی از اسرار نماز*، تهران: ستاد اقامه نماز.
۲۳. کرمی فریدنی، علی (۱۳۸۵ش)، *نهج الفصاحه*، قم: حلم، چهارم.
۲۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۵. کواراسوس، ویلیام کلمنت (۱۳۶۷ش)، *بزهکاری نوجوانان مسئله‌ای برای دنیای مدرن*، ترجمه: جعفر نجفی رند، تهران: نمایشگاه کتاب کودک.

۲۶. الکوفی، محمد بن محمد بن الاشعث (بی تا)، *الجعفریات (الاشعثیات)*، تهران، مكتبة النینوی الحدیثه.
۲۷. متقی، غلامرضا (۱۳۸۰ش)، *شیوه جذب نوجوانان و جوانان از دیدگاه قرآن و حدیث*، تهران: عابد، دوم.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر الأئمة الأطهار*، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵ش)، *میزان الحکمه؛ با ترجمه فارسی*، قم: دار الحدیث، ششم.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶ش)، *سیری در سیره نبوی*، تهران: صدرا.
۳۱. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۴ش)، *رساله توضیح المسائل*، قم: نیلوفرانه، هفتم.
۳۲. مؤیدی، علی (۱۳۸۸ش)، *چگونه جوانی دیندار و شاداب تربیت کنیم؟*، قم: حسنین علیهم السلام، اول.
۳۳. نجاتی، حسین (۱۳۸۹ش)، *روان شناسی نوجوانی*، تهران: بیکران، دوم.
۳۴. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت.
۳۵. ورام، مسعود بن عیسی (بی تا)، *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)*، قم: مکتب فقیه، اول.
۳۶. الهندی، علی المتقی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال فی السنن الاقوال و الافعال*، تحقیق و تصحیح: صفوة سقا، بکری حیانی، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۳۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۶۶ش)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.